

نگاهی به مجموعه زنبورهای عسل ... شعر طنز، یا طنز شاعرانه

مجموعه شعر اکبر اکسیر



○ هوشنگ اعلم

طرف قضیه در آن ماجرا، اکبر اکسیر بود، شاعر مقیم آستارا که اخیراً و از سر لطف تازه‌ترین مجموعه شعرش را - تا آن جا که من خبر دارم - «زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند» برایم فرستاد که از این بابت ممنونم و سپاسگزار لطف آستارایی‌اش، اما این سپاسگزاری اصلاً و ابداً به آن معنی نیست که اصل حرف‌هایم را که در شماره ۲۶ آزما نوشتم پس می‌گیرم و عقیده‌ام درباره دستورالعمل نویسی در مورد چگونگی سرودن شعر عوض شده اما این را هم نمی‌توانم نگویم که از خواندن شعرهای اکبر اکسیر در مجموعه «زنبورهای عسل

نیازمند آزادی است و هیچ تفاوتی نیست بین دستورالعملی که حکومت‌ها و صاحبان قدرت برای دربند کردن شاعر و هنرمند صادر می‌کنند یا بیانه‌ای که با هر اسم و امضایی، حتی امضای یک هنرمند و برای فرمول بندی چگونگی خلق اثر هنری صادر شده باشد و البته فرق است بین چنین بیانه‌ای با تحلیل ساختار یک اثر هنری و چگونگی‌اش و این که چه اصولی در آن رعایت شده، یعنی همان کاری که در طول تاریخ هنر بسیار انجام شده و بنیان اصول مکتب‌های هنری را ساخته است.

سال ۸۲ در شماره بیست و شش آزما مطلبی نوشتم با عنوان «مضحکه یک پیشنهاد» بهانه آن نوشتار متنی بیست ماده‌ای بود که در آن چیزی به اسم شعر فرانو به همراه دستورالعمل سرودن این نوع شعر، مطرح بود و من نوشتم که اصولاً این جور دستورالعمل‌ها و مانیفست صادر کردن‌ها برای سرایش شعر (یا خلق هر اثر دیگری که می‌خواهد داعیه هنری داشته باشد) دست کم به این دلیل که محدود کردن هنرمند و صدور بخشنامه برای این که چگونه بگوید یا چگونه بنویسد. خلاف شان هنر است چرا که شعر و اصولاً هنر برای بالیدن



گیس مصنوعی،
دندان مصنوعی

لنز چشم
مژه و ناخن مصنوعی را برداشت
خط چشم
خط ابرو

خط لب را پاک کرد
مادر بزرگ شد

پدر به طعنه گفت:

لعنت بر این صنایع مونتاژ
و یا...

در راه کشف حقیقت
سقراط به شوکران رسید

مسیح به میخ و صلیب

پس بهتر است به جای کشف حقیقت
برگردیم کشک مان را بساییم.

چنین قطعاتی شاید از نظر بعضی شعر
نباشد اما دست کم برآیند نگاهی شاعرانه
است که با عنصر طنز در آمیخته و تصویری از
واقعیت را به دست می‌دهد. اما ویژه‌گی مهم‌تر
آثار اکبر اکسیر، ساده‌گی زبان است.

او در همه سروده‌هایش به خوبی نشان
می‌دهد که نیازمند مخاطب است و شعر
برایش در حکم پل ارتباطی بین شاعر و
مخاطب شعر است و اعتقادی به این که شعر
باید برای خواص قابل درک باشد ندارد و
به همین دلیل هیچ اصراری برای مبهم سازی
و یا زورچپان کردن بازی‌های زبانی پیچیده
ساز که شعر را از دسترس درک مخاطب دور
می‌کند، ندارد.

به هر شکل، اکبر اکسیر با شعر خاصش،
جایگاهی قابل درک و البته بحث در شعر
امروز دارد که شاید در وقتی دیگر بشود به
ژرف کاوی بیشتر آثار او نشست.

اما ... خط آخر این که، آستارا و آستارایی‌ها
دارند جغرافیای شعر ایران را جا به جا می‌کنند
انگار.

والسلام

طنز به رویدادها می‌نگرد در تلفیقی بین نمادها
و مفاهیم زندگی امروز با شخصیت‌ها و
رویدادهای تاریخی، ساختار ویژه‌ای می‌سازد
که پیام او را به ساده‌ترین شکل ممکن به
مخاطب انتقال می‌دهد.

**نگاه کنید به شعر تابلوها از مجموعه
زنبورهای عسل**

دکتر آغا محمدخان

جراح متخصص چشم
ختنه اطفال پذیرفته می‌شود

گرما به امیر کبیر
دارای نمره خصوصی جهت اصلاحات
با مشارکت بانک ایران - انگلیس

دوزندگی فرخی یزدی
انواع تودوزی، زیگزاگ، منگنه
سوراخ کردن گوش بدون خونریزی

دبیر تاریخ می‌گفت: ایران سرزمین
بزرگی است

با مردانی بزرگ

تاریخ و آثار باستانی پاریزی بزرگ!

او برای تصویر کردن زندگی مردم فرودست
و طبقه به اصطلاح متوسطه جامعه نیازی به
تخیلات عجیب و غریب ندارد، برای اکسیر
یک گفتگوی معمولی در یک خانواده می‌تواند
دست مایه طنزی اعتراضی باشد.

تعطیلات نوروز به کجا برویم؟

پدر از بی پولی گفت و قسط‌های عقب
مانده

مادر از سختی‌های راه و از بی خوابی و
ملافه و حمام

ساعت شد ۱۲ نصف شب

گفتم برویم سر اصل مطلب

یکی گفت برویم شیراز

دیگری گفت نخیر، مشهد!

ساعت شد ۵ صبح

مادر گفت بالاخره کجا برویم؟

پدر گفت: برویم بخوابیم!

او در عین حال که به همه چیز کار دارد،
تعهد او در بند هیچ «ایسم» و «ایستی» گرفتار
نیست در واقع اکسیر نه شعار سیاسی می‌دهد
و نه مدعی نجات بشریت است و نه از فقدان
آزادی به شیوه مالوف می‌نالند و نه از دیدن
میل‌های بافتنی به یاد میله‌های زندان می‌افتند و
نه اصولاً ادعایی دست کم به گواهی شعرهایش
در این زمینه‌ها دارد نگاه او معطوف به زندگی
آدم‌هاست و چگونه گی زیستن و به دنیای پر
از تضاد پیرامون.

مادر از عروسی که برگشت

دیافت گرفته‌اند! لذت برده‌ام.

به قول معروف برادری به جای خود،
بزغاله یکی هفتاد هزار تومان من، حالا به
اکبر اکسیر به عنوان شاعری که زبان و نگاه
و شیوه شعری خاص خودش را دارد احترام
می‌گذارم ما نسخه نویسی برای دیگران را هم
بر نمی‌تابم و بعد ...

اکبر اکسیر، از جمله شاعرانی است که
به هنر بی تعهد و شعر، برای شعر و چاپ
مجموعه شعر برای تثبیت موقعیت شاعری
اعتقادی ندارد و در واقع شعرش فریاد
اعتراض اوست، علیه آن چه که هست و او
نمی‌خواهد که چنان باشد. اما تفاوت او با
برخی دیگر از شاعران مدعی تعهد در نوع
نگاه و زبان شعری اوست. اکسیر نه شعار
می‌دهد و نه پرخاش می‌کند و نه برای یافتن
نمادها و نشانه‌ها به آسمان و ریسمان متوسل
می‌شود.

از نظر او زندگی عادی و روزمره پر از
چیزهایی است که می‌تواند ظرفیت بالایی
برای واگویی مفاهیم مورد نظر شاعر داشته
باشد و از موقعیتی شعر گونه برخوردار شود و
شاید تضاد بین واقعیت و ریخت غیر شاعرانه
این عوامل و ظرفیت پنهان آن‌ها برای ورود به
عرصه شعر حالتی را به وجود می‌آورد که در
برخوردها با نگاه طنز آلود اکسیر خود به طنزی
قدرتمند و شاعرانه برای بیان احساس شاعر
تبدیل می‌شوند.

این پارک، پارکینگ می‌شود

این درخت، تیر برق

این زمین چمن، اسفالت

و من که امروز به اصطلاح شاعرم

روزی یک تکه سنگ می‌شوم

با لوح یادبودی بر سینه

درست وسط همین میدان

و یا ..

گل‌ها، آپارتمان را سبز می‌کنند

آپارتمان، گل‌ها را زرد

گل‌های چینی اما زرد نمی‌شود، عجب!

راستی رزهای محترم!

من سرخک گرفته‌ام شما چه طور؟!!

نمونه‌هایی است از نگاه به قول فرنگی
مآب‌ها رئالیستیک! اکسیر به اتفاقات رویدادها
و رفتارهایی که در پیرامون شاعر جریان دارد
اما نگاهی رندانه، طنز آلود و تلخ.

در واقع اکسیر، بیش از هر شاعر دیگری
از ظرفیت طنز برای واگویی احساسش بهره
می‌برد و شرایط حاکم بر زندگی انسان امروز
را به نیشخند می‌گیرد.

اکسیر حتی وقتی که می‌خواهد از ستم
حاکمان در طول روزگاران حرف بزند و برای
ترسیم شقاوت‌ها و ظلمی که در طول تاریخ بر
انسان این سرزمین رفته است بگوید از دریچه

